

«علوم تربیتی»

سال سوم - شماره ۱۱ - پاییز ۱۳۸۹

ص.ص. ۹۲ - ۷۹

بررسی رابطه سبک‌های هویتی و نقش تعهد هویت با میزان بهزیستی روان‌شناختی در دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه شهر تبریز

مریم رضائیان^۱
دکتر پرویز سرندی^۲

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی نقش سبک‌های هویت و تعهد هویت بر بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان انجام شد.

روش: در یک بررسی مقطعی، در نمونه‌ای متشکل از ۳۶۴ آزمودنی (۱۴۰ پسر و ۲۲۴ دختر)، پرسشنامه سبک‌های هویت و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی اجرا شد. روایی ابزارهای اندازه‌گیری از طریق اعتبار محتوایی و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گردید و با استفاده از تحلیل مسیر، اثرات مستقیم و غیرمستقیم سبک‌های هویت بر تعهد هویت و مقیاس‌های ششگانه بهزیستی روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری بر خودمختاری، تسلط محیطی، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود اثر مثبت و معنادار داشته و در مقابل سبک هویت سردرگم، اجتنابی بر موارد اشاره شده اثر منفی و معنادار داشته است ($p < 0/05$). اثر غیرمستقیم سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری از طریق تعهد بر مقیاس‌های خودمختاری، تسلط محیطی، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود مثبت و معنادار بوده؛ و اثر غیرمستقیم سبک هویت سردرگم، اجتنابی از طریق تعهد بر مقیاس‌های خودمختاری، تسلط محیطی، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود منفی و معنی‌دار می‌باشد ($p < 0/05$).

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

۲- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه روانشناسی، تبریز، ایران.

نتیجه‌گیری: در مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد که اجتناب از مواجهه با مسائل مربوط به هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد. همچنین نتایج نشان داد که نه تنها وجود تعهد بلکه شیوه مواجهه با تکالیف و موضوعات مربوط به هویت نیز در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان بسیار مهم است.

واژگان کلیدی: بهزیستی روان‌شناختی، سبک‌های هویت، تعهد هویت.

مقدمه

در دهه اخیر گرایش به بررسی جنبه‌های مثبت سلامت افزایش یافته است. ریف و کیز (۱۹۹۵) در دهه گذشته الگوی بهزیستی روان‌شناختی را پیشنهاد نمودند که بطور گسترده‌ای در جهان توسط پژوهشگرانی چون کلارک، مارشال، ریف و ویتون (۲۰۰۱)، دایرندوک (۲۰۰۵)، چنگ و چان (۲۰۰۵) و لیندفورس، برنستون و لوندبرگ (۲۰۰۶) بررسی گردید. بهزیستی روان‌شناختی یک مفهوم چند مؤلفه‌ای و دربرگیرنده: ۱- پذیرش خود: یعنی نگرش مثبت به خود و پذیرش جنبه‌های مختلف خود مانند ویژگی‌های خوب و بد و احساس مثبت درباره زندگی گذشته. ۲- روابط مثبت با دیگران: احساس رضایت و صمیمیت از رابطه با دیگران و درک اهمیت این وابستگی‌ها. ۳- خودمختاری: احساس استقلال و اثرگذاری در رویدادهای زندگی و نقش فعال در رفتارها. ۴- تسلط بر محیط: حس تسلط بر محیط، کنترل فعالیت‌های بیرونی و بهره‌گیری مؤثر از فرصت‌های پیرامون. ۵- زندگی هدفمند: داشتن هدف در زندگی و باور به این که زندگی حال و گذشته او معنی‌دار است. ۶- رشد شخصی: احساس رشد بادوام و دستیابی به تجربه‌های نو به عنوان یک موجود دارای استعدادها بالقوه (ریف و کیز، ۱۹۹۵ و ریف، سینگر، ۱۹۹۸؛ به نقل از بیانی و همکاران، ۱۳۸۷). این الگو بطور گسترده در جهان مورد توجه قرار گرفته است (چانگ و چن، ۲۰۰۵). ریف این الگو را براساس مرور متون بهداشت روانی ارائه کرد و اظهار داشت مؤلفه‌های الگو، معیارهای بهداشت روانی مثبت است و این ابعاد کمک می‌کند تا سطح بهزیستی و کارکرد مثبت شخص را اندازه‌گیری کرد.

پژوهش‌های اجتماعی-شناختی زیادی (برزونسکی، ۲۰۰۳) نشان داده که بین پایگاه‌های هویتی و تعهد با بهزیستی روان‌شناختی رابطه وجود دارد. تعهد در نظر اریکسون، رفتار فرد را در موقعیت‌هایی که وسوسه می‌شود به شکل دیگری رفتار کند، ثابت می‌بخشد. تعهد هویت یک چارچوب ارجاعی از ارزش‌ها و باورهاست که ممکن است خودساخته یا تجویز شده از جانب دیگران باشد (همان منبع).

براساس دیدگاه برزونسکی (۱۹۸۹) نوجوانان سه جهت‌گیری متفاوت یا سه سبک پردازشی هویتی مختلف را انتخاب می‌کنند، که شامل هویت اجتنابی سردرگم، اطلاعاتی و هیجانی است. افراد با هویت

موفق یا دیررس آنچه را که سبک اطلاعاتی نامیده می‌شود مورد استفاده قرار می‌دهند (به نقل از بیانی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). این افراد در برخورد با موضوعات مربوط به هویت، سنجیده عمل کرده و تلاش ذهنی زیادی نیز نشان می‌دهند؛ هدفمند به جستجو و ارزیابی مبادرت ورزیده و نسبت به اطلاعات مربوط به خود اعتماد و اطمینان لازم را نشان می‌دهند؛ نسبت به دیدگاه‌های خود موضعی شکاکانه اتخاذ کرده و مشتاقانه قضاوت خود را به تأخیر انداخته و در مواجهه با بازخورد ناهمساز، ابعاد خودساخته وجود خود را مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهند (برزونسکی، ۲۰۰۳). استفاده از سبک هویت اطلاعاتی با نیاز به شناخت، پیچیدگی شناختی، تعمق درباره خود، مقابله مسأله‌مدار، بهزیستی ذهنی، سازگاری، وظیفه‌شناسی و توافق رابطه مثبت نشان می‌دهد (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰). افراد با هویت زودرس به کمک آنچه سبک پردازش هنجاری نامیده می‌شود، مشخص می‌شوند (برزونسکی و نیمیر، ۱۹۹۴؛ استریمیر، ۱۹۹۳ به نقل از بیانی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). این افراد با درونی کردن ارزش‌ها و باورهای «دیگران مهم» و به دلیل عدم استفاده از خودارزیابی‌های سنجیده، با موضوعات مربوط به هویت به صورت خودکار مواجه می‌شوند (برزونسکی، ۱۹۹۰). مطالعات نشان می‌دهند که افراد هنجاری، وظیفه‌شناس و سازگار هستند، احساس جهت‌گیری آشکاری از خود نشان می‌دهند و احساس مثبتی از بهزیستی دارند. اما این افراد در مواجهه با ابهام، تحمل کمی از خود نشان داده، نیاز بالایی نسبت به ساختار دارند و در برابر اطلاعاتی که نظام ارزش‌ها و باورهای فردی آنها را به چالش می‌کشد، بسته عمل می‌کنند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰).

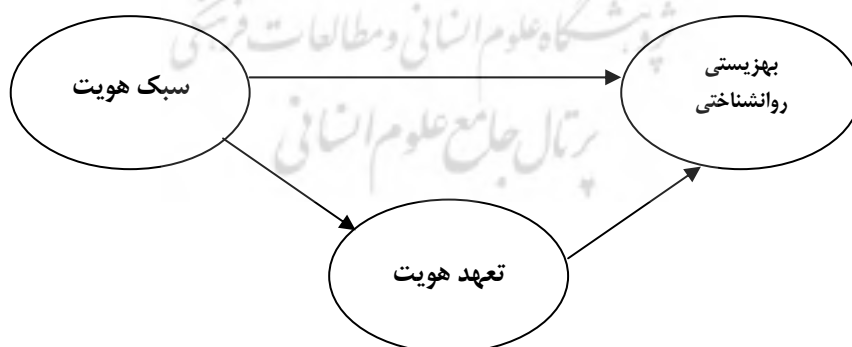
رویکرد اطلاعاتی با مقابله موفقیت‌آمیز با استرس و اضطراب، مقابله مسئله‌مدار و گشودگی رابطه مثبت و با جهت‌دهی توسط دیگران، اثرات ناتوان‌کننده اضطراب، تفکر آرزومندانه و فاصله‌گیری عاطفی رابطه منفی نشان می‌دهد. جهت‌گیری سردرگم با کیفیت روابط همسالان، پیشرفت تحصیلی و عزت نفس رابطه منفی و با اثرات ناتوان‌کننده اضطراب، فاصله‌گیری عاطفی، جهت‌دهی توسط دیگران، راهبردهای تصمیم‌گیری غیرانطباقی، مشکلات سوء مصرف مواد و الکل، روان رنجورخویی، واکنش‌های افسرده‌گون و اختلالات خوردن و سلوک رابطه مثبت نشان می‌دهد (برزونسکی، ۲۰۰۳). در حالی که رابطه بین جهت‌گیری اطلاعاتی با بهزیستی مثبت و رابطه بین جهت‌گیری سردرگم با بهزیستی منفی است، رابطه بین جهت‌گیری هنجاری و بهزیستی مرز مشخص و روشنی ندارد. بنابراین، سبک هویت هنجاری ممکن است مشابه با جهت‌گیری اطلاعاتی با رفتارهای کارآمد و یا مشابه با جهت‌گیری سردرگم با اجتناب هیجانی و اثرات ناتوان‌کننده اضطراب رابطه مثبت نشان دهد (برزونسکی، ۱۹۹۲). در نهایت برخلاف جهت‌گیری اطلاعاتی، جهت‌گیری هنجاری با مقابله مبتنی بر مسئله و پذیرش به عنوان حوزه‌های هسته‌ای خود رابطه منفی دارد (برزونسکی، ۱۹۹۰). در نهایت برخلاف جهت‌گیری اطلاعاتی، جهت‌گیری هنجاری با مقابله مبتنی بر مسأله و پذیرش به عنوان حوزه‌های اصلی خود رابطه منفی دارد (برزونسکی، ۲۰۰۳). نتایج مطالعه برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) نشان داد که دانشجویان با سبک اطلاعاتی در

مقایسه با دانشجویان با سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم در مقیاس‌های خودمختاری تحصیلی، خودبستگی، مهارت‌های مدیریت مؤثر زندگی، احترام و تحمل افراد متفاوت از خود، ایجاد روابط صمیمانه، استقلال هیجانی و اعتماد به نفس نمرات بالاتری گزارش کردند. همچنین در مقایسه با دانشجویان با سبک هویت سردرگم، دانشجویان با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در مقیاس‌های اهداف تحصیلی، واقع بینی، نقشه‌های طولانی مدت درباره زندگی و اهداف و روابط پایدار با همسالان خود نمرات بالاتری نشان دادند. نتایج پژوهش ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) نشان داد که اجتناب از مواجهه با موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی روانشناختی رابطه منفی دارد. در حالیکه وقتی فرد یا افراد با موضوعات هویت مواجه می‌شوند شیوه ترجیحی آنان در مواجهه با موضوعات هویت با اهمیت به نظر نمی‌رسد. نتایج پژوهش بوید و همکاران (۲۰۰۳) نشان داد که سبک هویت سردرگم، اجتنابی با انتظارات منفی درباره موفقیت و عملکرد تحصیلی، رابطه مثبت، و سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با انتظارات مثبت درباره موفقیت و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت نشان داد. برزونسکی (۲۰۰۳) سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم، اجتنابی را مشخص کرده است. سبک اطلاعاتی معرف جوانانی است که بطور فعال از طریق جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود احساس هویت را ایجاد می‌کنند. جوانان اطلاعات محور بطور فعال درباره خودپنداره‌های خود نگرشی انتقادی دارند و وقتی با اطلاعات متفاوت مواجه می‌شوند به آزمون تجدیدنظر و انطباق ساختار هویت خود و شرایط جدید تمایل دارند (برزونسکی، ۲۰۰۳). جهت‌گیری هویت اطلاعاتی با خوداکتشافی فعال، تصمیم‌گیری آگاهانه، خودمختاری و استقلال در قضاوت، سطوح بالاییچیدگی شناختی، نیاز بالا برای شناخت و قوت هویت شخصی همراه است (دورییز^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). سبک هویت هنجاری را جوانانی بکار می‌گیرند که استانداردهای مراجع قدرت و دیگر افراد مهم را درونی می‌کنند و با آن هماهنگ می‌شوند (برزونسکی، ۱۹۹۰). افراد هنجاری نسبت به اطلاعات تهدید کننده باورها و ارزش‌های خود بسته هستند، بطور انعطاف‌ناپذیر تعهدات هویت سازمان یافته‌ای را پذیرفته‌اند و تلاش می‌کنند به صورت دفاعی آن را نگه داشته‌اند. ادامه دهند و بطور پایدار متعهد هستند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰، برزونسکی، ۲۰۰۳).

در مطالعه برزونسکی و کاک (۲۰۰۵)، در حالیکه دانشجویان دختر در مقایسه با دانشجویان پسر روابط بین فردی صمیمانه‌تر و تحمل بیشتر عقاید دیگران را گزارش کردند، در مقابل پسران نسبت به دختران سبک زندگی سالم‌تری نشان دادند. نتایج مطالعه آنان همچنین نشان داد که دانشجویان با سبک اطلاعاتی در مقایسه با دانشجویان با سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم در مقیاس‌های خودمختاری تحصیلی، خودبستگی، مهارت‌های مدیریت مؤثر زندگی، احترام و تحمل افراد متفاوت از خود، ایجاد روابط صمیمانه، استقلال هیجانی و اعتماد به نفس نمرات بالاتری گزارش کردند. همچنین، در مقایسه با

دانشجویان با سبک هویت سردرگم، دانشجویان با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در مقیاس‌های اهداف تحصیلی، واقع‌بینی، نقشه‌های طولانی مدت درباره زندگی و اهداف و روابط پایدار با همسالان خود نمرات بالاتری نشان دادند. علاوه بر این، نتایج مطالعه فوق نشان داد که دانشجویان اطلاعاتی در مقایسه با دانشجویان سردرگم سالم‌تر بوده، از سبک زندگی بهتری برخوردارند.

نتایج پژوهش ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) نشان داد که اجتناب از مواجهه با موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد، در حالیکه وقتی فرد یا افراد با موضوعات هویت مواجه می‌شوند، شیوه ترجیحی آنان در مواجهه با موضوعات هویت با اهمیت به نظر نمی‌رسد؛ به عبارت دیگر، بین افراد با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی تفاوت معناداری وجود ندارد. آدامز و کاران (۲۰۰۵) در بررسی ارتباط سبک‌های هویتی و مشکلات رفتاری مشاهده کردند که افراد با سبک سردرگم، اجتنابی بیش از دارندگان دو سبک دیگر مشکلات سازگاری مانند بزهکاری و اختلال‌های سلوکی نشان می‌دهند. پژوهش فارسی‌نژاد نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی و تعهد هویت به طور مستقیم و سبک هویت مغشوش/اجتنابی به طور غیرمستقیم (به واسطه تعهد هویت) قادر به پیش‌بینی و تبیین پراکندگی نمرات خودکارآمدی تحصیلی و سلامت اجتماعی هستند. شکری و همکاران، نتیجه گرفتند که سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد، استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران و هدف در زندگی اثر مثبت و معنی‌دار و سبک هویت هنجاری بر تعهد اثر مثبت و معنی‌دار و بر استقلال اثر منفی و معنی‌دار داشته و سبک هویت سردرگم، اجتنابی بر تعهد، استقلال، رشد فردی و هدف در زندگی اثر منفی و معنی‌دار دارد. براین اساس، به منظور پیش‌بینی احتمال وجود رابطه بین متغیرهای سبک‌های هویت و تعهد هویت با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی الگوی زیر برگزیده و پس از ارزیابی روابط متغیرها در قالب یک مدل علی (۱-۱) و سنجش معنی‌داری هر یک از متغیرها، به برآورد ضرایب پرداخته شد.



مدل (۱) مدل الگوی علی روابط بین متغیرهای تحقیق

فرضیه تحقیق

بین سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) و تعهد هویت با بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ معیار اجرایی، کاربردی؛ از لحاظ زمانی جزء تحقیقات مقطعی و از لحاظ روابط بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک از نوع مطالعات همبستگی می‌باشد.

جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در پایه دوم متوسطه در رشته‌های ریاضی، تجربی و انسانی در نواحی پنج‌گانه شهر تبریز می‌باشد.

نمونه آماری

در این تحقیق برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که حجم نمونه ۳۶۴ نفر می‌باشد.

$$n' = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

در این فرمول:

n' : حجم نمونه N : جامعه آماری $t=1/96$: ضریب اطمینان ۹۵٪

$d=0/05$: دقت احتمالی مطلوب $p=0/5$: نسبت صفت در جامعه $q=1-p$

شیوه نمونه‌گیری

در تحقیق حاضر از ترکیب شیوه‌ی نمونه‌گیری مطبق یا طبقه‌بندی شده و تصادفی به تفکیک جنسیت می‌باشد، نسبت دانش‌آموزان دختر و پسر را به کل دانش‌آموزان محاسبه و سپس با توجه به نسبت نمونه تخصیص داده شد. بدین ترتیب که از بین نواحی پنجگانه آموزش و پرورش تبریز، ناحیه‌های ۱، ۳ و ۵ انتخاب شد، از بین این ناحیه‌ها هم ۲ مدرسه دخترانه و پسرانه انتخاب و از هر مدرسه به نسبت حجم نمونه نمونه‌گیری بعمل آمد.

ابزارهای گردآوری اطلاعات

الف) پرسشنامه سبک‌های هویت (IAI_6G):

پرسشنامه سبک‌های هویت اولین بار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری فرآیندهای شناختی-اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند، طراحی شد. براساس دیدگاه برزونسکی (همان منبع) نوجوانان سه جهت‌گیری متفاوت یا سه سبک پردازشی هویتی مختلف را انتخاب می‌کنند. این پرسشنامه سه سبک هویتی شامل اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم، اجتنابی را

مورد ارزیابی قرار می‌دهد و شامل ۴۰ سؤال است. پاسخ هر سؤال بر روی یک طیف پنج درجه‌ای (کاملاً مخالف = ۱، مخالف = ۲، تا حدودی موافق = ۳، موافق = ۴، کاملاً موافق = ۵) مشخص می‌شود. ۱۱ سؤال از این پرسشنامه مربوط به هویت اطلاعاتی، ۹ سؤال مربوط به هویت هنجاری، ۱۰ سؤال مربوط به هویت سردرگم یا اجتنابی و ۱۰ سؤال دیگر مربوط به تعهد هویت است.

جدول (۱) سؤالات مقیاس‌های سبک هویت

مقیاس	سؤالات
هویت اطلاعاتی	۲-۵-۶-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۳۰-۳۳-۳۵-۳۷
هنجاری	۴-۱۰-۱۹-۲۱-۲۳-۲۸-۳۲-۳۴-۴۰
سردرگم یا اجتنابی	۳-۸-۱۳-۱۷-۲۴-۲۷-۲۹-۳۱-۳۶-۳۸
تعهد هویت	۱-۷-۹*۱۱*۱۲-۱۴*۱۵-۲۰*۲۲-۳۹

* سؤالات ستاره‌دار معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

ب) مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی (PWB):

در این پژوهش بمنظور بررسی بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان از مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) استفاده شد. در این مقیاس پاسخ به هر سؤال بر روی یک طیف شش درجه‌ای (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) مشخص شد. هر مقیاس شامل ۱۴ سؤال بوده که ابعاد بهزیستی روان‌شناختی مدل ریف مشتمل بر پذیرش خود، تسلط محیط، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی، رشد فردی و استقلال را ارزیابی می‌کند. ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه اصلی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی قابل قبول گزارش شدند.

اعتبار^۱ و پایایی^۲ ابزار اندازه‌گیری

در این تحقیق هدف اعتبار محتوایی پرسشنامه است که در آن به بررسی اجزا و شاخص‌های تشکیل دهنده ابزار اندازه‌گیری پرداخته می‌شود. پایایی سؤالات نیز با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه گردید.

- 1- Validity
- 2- Reliability

جدول (۲) پایایی پرسشنامه‌های سبک‌های هویت و بهزیستی روانشناختی و هریک از مؤلفه‌های آنها

مؤلفه‌ها	تعداد گویه‌ها	مقدار پایایی محاسبه شده
پرسشنامه سبک‌های هویت	۴۰	۰/۶۸
سبک هویت اطلاعاتی	۱۱	۰/۶۴
سبک هویت هنجاری	۹	۰/۶۷
سبک هویت سردرگم یا اجتنابی	۱۰	۰/۶۴
تعهد هویت	۱۰	۰/۶۳
پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی	۸۴	۰/۸۹
پذیرش خود	۱۴	۰/۶۶
روابط مثبت با دیگران	۱۴	۰/۶۵
خودمختاری	۱۴	۰/۶۲
تسلط بر محیط	۱۴	۰/۶۲
زندگی هدفمند	۱۴	۰/۷۲
رشد شخصی	۱۴	۰/۶۳

روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات

داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۷ در دو بخش توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل گردید و برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر استفاده گردید.

نتایج تحلیل توصیفی متغیرهای زمینه‌ای

جدول (۳) توزیع فراوانی دانش‌آموزان مورد مطالعه براساس جنسیت و رشته تحصیلی

متغیرها	فراوانی	درصد معتبر
دختر	۲۲۴	۶۱/۵
پسر	۱۴۰	۳۸/۵
کل	۳۶۴	۱۰۰
ریاضی	۷۷	۲۱/۲
تجربی	۲۰۴	۵۶
انسانی	۷۲	۱۹/۸
کل	۳۵۳	۹۷
بی‌پاسخ‌ها	۱۱	۳
کل	۳۶۴	۱۰۰

جدول (۴) توزیع پراکندگی میزان نمره سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان مورد مطالعه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	ضریب کجی	حداقل	حداکثر
هویت اطلاعاتی	۳۶۴	۶۸/۰۲	۱۳/۳۵	۱۷۸/۳۴	-۰/۵۱۶	۲۵	۹۵/۴۵
هویت هنجاری	۳۶۴	۶۸/۸۱	۱۳/۸۴	۱۹۱/۶۰	-۰/۳۷۷	۲۲/۲۲	۹۷/۲۲
هویت اجتنابی	۳۶۴	۳۶/۷۹	۱۶/۳۹	۲۶۸/۹۰	۰/۴۵۳	۰	۸۷/۵۰
تعهد هویت	۳۶۴	۷۲/۱۹	۱۳/۹۶	۱۹۴/۹۶	-۰/۳۹۶	۲۲/۵۰	۱۰۰
بهزیستی روان‌شناختی	۳۶۴	۶۱/۸۷	۹/۸۶	۹۷/۲۲	۰/۳۰۵	۳۶/۱۹	۸۹/۲۹
پذیرش خود	۳۶۴	۵۸/۲۵	۱۲/۷۵	۱۶۲/۵۹	۰/۰۳۱	۲۱/۴۳	۹۰
روابط مثبت	۳۶۴	۶۳/۸۷	۱۳/۵۶	۱۸۳/۹۴	۰/۲۴۳	۳۲/۸۶	۹۵/۷۱
خودمختاری	۳۶۴	۵۴/۲۹	۱۱/۲۴	۱۲۶/۳۵	۰/۱۶۱	۲۲/۸۶	۸۴/۲۹
تسلط بر محیط	۳۶۴	۶۰/۵۶	۱۱/۹۳	۱۴۲/۴۹	۰/۰۸۱	۲۵/۷۱	۱۰۰
زندگی هدفمند	۳۶۴	۶۶/۸۷	۱۴/۴۸	۲۰۹/۸۶	-۰/۱۶۰	۲۸/۵۷	۹۷/۱۴
رشد شخصی	۳۶۴	۶۷/۴۰	۱۲/۷۳	۱۶۲/۰۹	۰/۰۰۹	۳۵/۷۱	۹۷/۱۴

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که بین سبک هویت اطلاعاتی با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار؛ بین سبک هویت هنجاری با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار دارد؛ و بین سبک هویت سردرگم با مقیاس‌های استقلال، تسلط محیطی، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، پذیرش خود و هدف در زندگی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین تعهد هویت و مقیاس‌های ششگانه بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار بدست آمد. نتایج الگوی تحلیل مسیر نیز نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری هر کدام بر تعهد هویت و بهزیستی روان‌شناختی اثر مثبت و معنادار و سبک هویت سردرگم، اجتنابی بر تعهد هویت و بهزیستی روان‌شناختی اثر منفی و معنادار نشان داد. اثر غیرمستقیم سبک هویت اطلاعاتی از طریق تعهد هویت بر مقیاس بهزیستی روان‌شناختی مثبت و معنادار؛ اثر غیرمستقیم سبک هویت هنجاری از طریق تعهد هویت بر مقیاس بهزیستی روان‌شناختی مثبت و معنادار و اثر غیرمستقیم سبک هویت سردرگم، اجتنابی از طریق تعهد هویت بر مقیاس بهزیستی روان‌شناختی منفی و معنادار به دست آمد.

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) درباره رابطه منفی بین سبک سردرگم و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی همسو و درباره رابطه مثبت سبک هویت اطلاعاتی با مقیاس‌های بهزیستی

ناهمسو است. به عبارت دیگر، نتایج پژوهش ولوراس و بوسما (همان منبع) نشان داد که اجتناب از موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی رابطه منفی نشان می‌دهد، در حالی که شیوه مواجهه افراد با مسائل مربوط به هویت اهمیت چندانی ندارد.

براین اساس، نتایج پژوهش حاضر تأکید می‌کند که نه تنها وجود یا عدم وجود تعهد بلکه شیوه مواجهه به موضوعات مربوط به هویت نیز اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد. به عبارت دیگر، اگر صرف وجود تعهد برای تضمین بهزیستی افراد کافی بود، سبک هویتی هنجاری نیز مانند سبک اطلاعاتی، مقیاس‌های بهزیستی را پیش‌بینی می‌کرد.

نتایج پژوهش حاضر درباره رابطه منفی بین سبک‌های هویت سردرگم با بهزیستی روان‌شناختی، نقش میانجی‌گر عامل تعهد را مورد توجه قرار می‌دهد. بی‌تردید مفهوم تعهد جزء لاینفک وضعیت‌های هویت است. نتایج نشان دادند که افراد با هویت موفق در مقایسه با افراد با هویت مغشوش از بهزیستی بیشتری برخوردار هستند. افرادی که از دیدگاه‌ها و باورهای روشن و ثابت درباره خود و دنیایی که در آن زندگی می‌کنند بی‌بهره‌اند، دنیا را بی‌نظم، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل تلقی می‌کنند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که شیوه انطباق مؤثر فردی و رفتارهای منظم شخصی از تعهدات مورد نظر تأثیرپذیر است (برزونسکی، ۲۰۰۳). تعهدات خود هم در ایجاد احساس هدفمندی و جهت‌دار بودن فعالیت‌ها مؤثرند و هم به عنوان معیارها و استانداردهایی برای افراد در نظر گرفته می‌شوند. فقدان تعهدات و اعتقادات پایدار، افراد را در یک وضعیت کاملاً آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. در واقع، مطالعات مختلف خاطر نشان می‌کنند که افراد سردرگم در مقایسه با همتایان اطلاعاتی و هنجاری خود، دچار رفتارهای متنوع مشکل‌آفرین و مشکلاتی نظیر اختلالات خوردن، الکل و مشکلات مرتبط با کارف روان‌رنجورخویی، واکنش‌های افسرده‌گون و شروع زود هنگام مصرف مواد غیرمجاز و الکل می‌شوند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰). لذا تبیین این موضوع که چرا شیوه مواجهه افراد با موضوعات مربوط به هویت مهم است نیز نیازمند توجه است. برزونسکی (۲۰۰۳) در تبیین این یافته بیان می‌کند که تعهدات هنجاری در مقایسه با تعهدات اطلاعاتی به احتمال زیاد درون مایه هیجانی دارند. اعتقاد به جهت‌گیری هنجاری ممکن است آنچه را که لانگر و همکاران (چانوویتز و لانگر، لانگر، به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) تعهدات شناختی زودرس می‌نامند، افزایش دهد. تعهدات شناختی زودرس بدون فکر و بدون پردازش و ارزیابی انتقادی از اطلاعات مربوط به خود افراد صورت می‌گیرد؛ این نوع تعهد مبتنی بر هیجان بوده که البته شواهد کمی از آن حمایت کرده است (لانگر، به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳). در موقعیت‌های خود ساختار که در آن مشکلات، تقاضاها و معیارها نسبتاً ثابت و تعهدات نیرومند است، بایستی کارکرد مؤثر بدون توجه به اساس منطقی آن افزایش یابد. با این حال، تعهد مبتنی بر هیجان ممکن است در موقعیت‌هایی که به وسیله بی‌ثباتی و تغییر نسبی مشخص

می‌شوند مشکل‌آفرین باشد، به ویژه آن هنگام که کارکرد انطباقی به توانایی ارزیابی مجدد مسائل و نادیده گرفتن انتظارت قراردادی و مقابله به شیوه کارآمد و منعطف وابسته باشد.

نظریه ناهمخوانی خود هیگنز (به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) فرض می‌کند که خودگردانی از طریق ناهماهنگی‌های بین انواع متفاوت معیارهای خود که افراد در اختیار دارند، بوجود می‌آید. او خاطر نشان ساخته است که ناهمخوانی‌های بین آنچه افراد فکر می‌کنند باید انجام دهند - معیارهای هنجاری - و اینکه آنها چگونه عمل می‌کنند در ایجاد احساسات گناه و تنفر از خود مؤثر بوده (هیگنز، کالین و استرامن، ۱۹۸۵، به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) و در نهایت بر انگیزتن خودکنترلی مبتنی بر احتیاط نیز اثرگذار بنظر می‌رسند (هیگنز، به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳). افراد با خودکنترلی مبتنی بر احتیاط، از اینکه بخواهند پاسخگو باشند احساس نگرانی می‌کنند و وظایف خود را در حالی که با معیارهای هنجاری مشخص می‌شوند، انجام می‌دهند. این افراد به امنیت بالایی نیاز دارند و در تلاش هستند که همواره از تجربه شکست، اشتباه و خسران بپرهیزند. آنها برای پیروز شدن بازی نمی‌کنند بلکه برای جلوگیری از تجربه شکست و بازنده شدن بازی می‌کنند (همان).

در مقابل، ناهماهنگی‌های بین ملاحظات فردی مبتنی بر اطلاعات درباره اینکه یک فرد به طرز ایده‌آل دوست دارد چگونه باشد و اینکه در عمل چگونه است نیز در ایجاد احساسات ناامیدی و ناراضی مؤثر است. ناهمخوانی‌های خود واقعی و خود ایده‌آل با آنچه هیگنز «خودکنترلی مبتنی بر ارتقاء» می‌نامد در ارتباط است. این افراد متمایلند که به اهداف و معیارهای مهم خود دست یافته و برای تجربه پیروزی به استقبال خطر روند (همان).

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر بر این نکته تأکید می‌کند که بهزیستی روان‌شناختی نه تنها به مواجهه با مسائل مربوط به هویت بلکه به شیوه مواجهه با مسائل مربوط به هویت وابسته است. به عبارت دیگر، از نقطه نظر بهزیستی روان‌شناختی، بین افرادی که به جستجوی سؤالات هویتی خود می‌پردازند و کسانی که تنها به پذیرش هنجارها تن می‌دهند تفاوت زیادی وجود دارد. بی تردید نتایج پژوهش حاضر همسو با ادبیات پژوهش بر نقش با اهمیت تعهد هویت تأکید می‌کند. اما اهمیت آن به شیوه‌های متفاوتی قابل ردیابی می‌باشد.

از جمله محدودیت‌های این تحقیق این بود که آزمودنی‌های این پژوهش از بین دانش‌آموزان انتخاب شدند بنابراین نتایج آن قابل تعمیم به سایر اقشار جامعه نمی‌باشد. همچنین در این پژوهش ابزار پژوهشی پرسشنامه بود و از سایر روش‌ها مثل مشاهده و مصاحبه استفاده نشده است.

در پایان با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهادهای ذیل توصیه می‌شود: آموزش به والدین و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در زمینه فراهم‌سازی شرایط پرورش و رشد هویت دانش‌آموزان.

- معرفی مبحث سبک‌های هویت توسط مشاورین مدارس به دانش‌آموزان و همچنین آشنایی والدین دانش‌آموزان در جلسات آموزش خانواده با این مباحث.
- شناسایی سبک‌های هویت نوجوانان و کمک به آنها جهت پیشگیری از بروز مشکلات ناشی از بحران هویت در دوران جوانی و بزرگسالی.
- ایجاد و گسترش مراکز مشاوره در سطح مدارس برای کمک به دانش‌آموزان دارای سبک هویتی سردرگم یا اجتنابی و افزایش میزان بهزیستی روانشناختی آنان.
- فراهم نمودن شرایط مناسب به منظور ارتقاء سطح بهزیستی روانشناختی و پیشرفت دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی‌های آموزشی.

مآخذ

- بیانی، ع. و همکاران (۱۳۸۷). روایی و پایایی مقیاس به‌زیستی روانشناختی ریف، *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال چهاردهم، شماره ۲، ص ص ۱۵۱-۱۴۶.
- فارسی‌نژاد، م (۱۳۸۳). *بررسی رابطه سبک‌های هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستان‌های شهر تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.*
- فرتاش، س (۱۳۸۴). *رابطه سبک‌های هویت و تعهد با کیفیت دوستی با توجه به نقش جنس و پایگاه اجتماعی-اقتصادی در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.*
- ماسن، هنری پاول و دیگران (۱۳۷۰). *رشد و شخصیت کودک*، مترجم: شهید پاشائی، تهران: نشر مرکز.
- Berzonsky, M.D., (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4, 267-281.
- Berzonsky, M. D., (1990). Self-construction over the lifespan: A process perspective on identity formation. In G. J., Neimeyer & R. A., Neimeyer (Eds.). *Advances in Personal Construct Psychology* (vol. 1, pp. 155-186). Greenwich CT: JAI.
- Berzonsky, M. D., (1992). Identity style and coping strategies. *Journal of Personality*, 60, 771-788.
- Berzonsky, M. D., (2002). Identity processing styles, selfconstruction, and personal epistemic assumptions: A Social-cognitive perspective. **Paper presented in the workshop "Social Cognition in Adolescence: It's Developmental Significance"**, Groningen, the Netherlands.
- Berzonsky, M. D., (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3(2), 131-142.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R., (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*, 20, 597-606.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L., (2000). Identity status and identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research*, 15(1), 81-98.

- Berzonsky, M. D., & Kuk, L.S., (2005). Identity style, psychological Maturity, and academic performance *Personality and Individual Differences*. 39, 235-247.
- Berzonsky, M. D., & Neimeyer, G. J., (1994). Ego identity status and identity processing orientation: The moderating role of commitment. **Journal of Research in Personality**, 28, 425-435.
- Berzonsky, M. D., & Sullivan, C., (1992). Social cognitive aspects of identity style: Need for cognition, experiential openness, and introspection. **Journal of Adolescent Research**, 7, 140-155.
- Cheng, S., & Chan, A., (2005). Measuring psychological well-being in the Chinese. **Personality and Individual Differences**, 38, 1307-1316.
- Erickson EH., (1968). Identity youth and crisis. **NewYork: Norton**.
- Marcia JE., (1966). Development and validation of identity status. **Journal of Personality & Social Psychology**; 3:551-8.
- Ryff, C. D., & Singer, B., (2002). From social structure to biology: Integrative science in pursuit of human health and well-being. In C. R. Snyder, & S. J. Lopez (Eds.). **Handbook of Positive Psychology** (pp. 541-554). Oxford: University Press.
- Schwartz SJ.,(2001). The evolution of Ericsonian and neo-Ericsonian identity theory and research: A review and integration. **International Journal of Theory & Research**; 1:7-58.
- Streitmatter, J., (1993). Identity status and identity style: A replication study. **Journal of Adolescence**, 16, 211-215.
- Vleioras, G., & Bosma, H. A., (2005). Are identity styles important for psychological well-being? **Journal of Adolescence**, 28 (3), 397-409.
- Jones, R. M., Ross, C. N., & Hartmann, B. R., (1992). An investigation of cognitive style and alcohol/work-related problems among naval personnel. **Journal of Drug Education**, 22, 241-251.
- Wheeler, H. A., Adams, G. R., & Keating, L., (2001). Being eating as a means for evading identity issues: The association between an avoidance identity style and Bulimic behavior. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 1, 161-178.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

«علوم تربیتی»

سال سوم - شماره ۱۱ - پاییز ۱۳۸۹

ص.ص. ۹۳-۱۰۶

بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با فرسودگی شغلی معلمان ابتدایی تبریز

دکتر حسین لطفی‌نیا^۱

حسین محسنی‌نیا^۲

چکیده

فرسودگی شغلی یکی از علل عمده عوارض جسمی و روانی در نیروی انسانی شاغل، بخصوص در حرفه‌های خدمات انسانی (معلمی، پرستاری) بوده و نیز در کاهش کارایی آنها مؤثر می‌باشد با توجه به نقش کلیدی آموزش و پرورش در تربیت فرزندان کشور و نقش مهم معلم در این خصوص، پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی، استرس با فرسودگی شغلی معلمان ابتدایی انجام شد. این پژوهش از نوع همبستگی بود که بر روی ۳۲۵ نفر (۲۳۱ نفر زن و ۸۳ نفر مرد) در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ در شهر تبریز صورت پذیرفت ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI کوتاه و آزمون فرسودگی شغلی مازلاک و جدول رویدادهای زندگی (استرس‌های زندگی) هولمز و راهه می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و فرضیه‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن و از رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که از عوامل شخصیتی، برونگرایی، انعطاف‌پذیری و با وجدان بودن تأثیر بیشتری را بر فرسودگی شغلی معلمان دارند. تحلیل رگرسیون نشان داد که مؤلفه با وجدان بودن بیشترین تأثیر را در فرسودگی شغلی داشت.

واژگان کلیدی: فرسودگی شغلی - معلمان ابتدایی - ویژگی‌های شخصیتی

۱- استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز

۲- کارشناسی‌ارشد روان شناسی عمومی

مقدمه

با پیچیده‌تر شدن روز افزون جوامع امروزی، رسالت سازمان‌ها برای برآوردن انتظارات جوامع، حساس‌تر و مهم‌تر می‌شود. به طوری که می‌توان اذعان کرد که دنیای ما دنیای سازمان‌هاست و آنچه امروز در بین اهل فن و به اتفاق نظر به یقین تبدیل شده، نقش اساسی نیروی انسانی به عنوان عامل گرداننده اصلی سازمان‌هاست. به عبارت دیگر، انسان‌ها به کالبد سازمان جان می‌دهند. بی تردید نیروی انسانی کارآمد و خود انگیزه می‌تواند برای رشد خود و توسعه و دستیابی به هدف‌های برنامه‌ریزی شده سازمان، بیشترین کارآرایی را داشته باشد. با توجه به حساسیت سازمان آموزش و پرورش، برای دستیابی و اجرای موفقیت‌میز هر فعالیت آموزشی افزون بر منابع مالی، وسایل و فناوری، وجود نیروی انسانی سالم و متعهد، نقش اساسی را ایفا می‌ند. به عبارت دیگر تعهد کاری و واکنش عاطفی فرد نسبت به کار و همچنین بالا بودن سلامت روانی، میزان تولید و قابلیت کار را بالا می‌برد (گرین ها^۱ و، ۱۹۷۵).

فرسودگی شغلی^۲ واژه‌ای برای توصیف دگرگونی‌های منفی نگرش، روحیه و رفتار در رویارویی با فشارهای روانی مربوط به کار است. این فرسودگی بیشتر در شغل‌هایی پدید می‌آید که افراد زمان زیادی از ساعات‌های کاری را در ارتباط نزدیک با سایر مردم می‌گذرانند. رایج‌ترین تعریف از فرسودگی شغلی را مازلاک^۳ و جکسون^۴ ارائه نموده‌اند. فرسودگی شغلی نشانگانی روان شناختی شامل خستگی هیجانی^۵، مسخ شخصیت^۶ و کاهش کفایت شخصی^۷ می‌باشد (شوفلی^۸، مازلاک و مارک^۹ ۱۹۹۴).

شغل معلمی و تدریس یکی از مشاغل پر استرس می‌باشد و معلمین همواره در حیطه شغلی خود با استرس‌های مختلفی مواجه هستند (کشاورز، ۱۳۸۱). یکی از نتایج مهم این استرس‌ها فرسودگی شغلی معلمین می‌باشد. چنانچه راسل^{۱۰} (۱۹۸۷) بر این اعتقاد بود که فرسودگی شغلی یکی از نتایج استرس‌های مختلف است که تجربه می‌شود و به صورت علائم جسمانی (سر درد و زخم معده) و روانی (افسردگی و خشم) و رفتاری (افت کاری و غیبت) ظاهر می‌شود. بررسی‌های انجام شده درباره فرسودگی شغلی در معلمان نشان داده است که در شرایط کاری یکسان، افراد به یک اندازه دچار فرسودگی نمی‌شوند و به بیان دیگر، فرسودگی، از تعامل عوامل بی‌شماری از جمله عوامل فردی، میان فردی، شغلی و ویژگی‌های شخصیتی پدید می‌آید (شوفلی و همکاران، ۱۹۹۴).

- 1- Green have
- 2- Professional burn out
- 3- Maslach
- 4- Jackson
- 5- Emotional exhaustion
- 6- Depersonalization
- 7- Decreased personal accomplishment
- 8- Schaufeli
- 9- Marek
- 10- Russel

از طرف دیگر کلیه عوامل درونی فرد را که نحوه رفتار، تفکر و احساس او را تحت تأثیر قرار می‌دهد شخصیت می‌نامند (کوکلان، ۱۳۵۸ به نقل از هرشی^۱ و لگو^۲).

کارکردهای بنیادی شخصیت، انسجام بخشیدن به احساس، اندیشه و ادراک در راستای انجام رفتارهای هدفمند است (سادوک، سادوک^۳، ۲۰۰۰).

مک کری و کوستا شخصیت را در پنج بعد یا پنج عامل اصلی شامل روان نژندگرایی، برونگرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن توصیف کردند. روان نژند گرایی به تمایل برای تجربه اضطراب، تنش، خودخوری، خصومت، کم‌رویی، تفکر غیرمنطقی، افسردگی و عزت نفس پایین اطلاق می‌شود. برونگرایی به تمایل فرد برای مثبت بودن، قاطعیت، سر و زباندار، گرم بودن، تحرک، مهربانی و اجتماعی بودن گفته می‌شود. انعطاف‌پذیری عبارت است از تمایل به کنجکاوی، هنرنمایی، خردورزی، با هوش، با فرهنگ، مبتکر و فهمیده و نوآوری و حساس بودن از نظر هنری می‌باشد. دلپذیر بودن به تمایل برای مؤدب، با نزاکت، قابل انعطاف، قابل اعتماد، خوش فطرت، بخشنده، رقیق‌القلب و متحمل بودن می‌باشد و با وجدان بودن عبارت است از تمایل به منظم بودن، برنامه داشتن، علاقمند بودن به پیشرفت و پشتکار داشتن، سنجیده و دقیق عمل کردن می‌باشد (به نقل از خوش یمن، ۱۳۸۴).

مازلاک، شافلی و لیتز (۲۰۰۱) شش عامل سازمانی را در ایجاد فرسودگی شغلی مؤثر دانسته‌اند. حجم زیاد کار، میزان مهارت عملکرد بر کار، پاداش کم، نداشتن ارتباط اجتماعی، تبعیض در محیط کار، تضاد بین ارزش‌های فرد و محیط کار.

معلمان با استرس‌های مختلفی مواجه هستند یکی از پیامدهای این استرس‌ها بروز فرسودگی شغلی در بین معلمان است این فرسودگی ناشی از عکس‌العمل مربوط به استرس، عوارض زیادی در سازمان و در خانواده و زندگی اجتماعی و فردی برجای می‌گذارد. از مهمترین آنها می‌توان غیبت کارکنان از کار، تأخیرهای متوالی، شکایت‌های مختلف روان تنی، کشمکش و تضاد در محیط کار، تغییر شکل تدریس با مشاغل دیگر و در نهایت ترک خدمت را نام برد. هنگامی که فرسودگی شغلی رخ می‌دهد، فقدان روزافزون واقع‌بینی، کاهش انرژی در ادامه فعالیت‌های سودمند، از دست دادن فلسفه نهایی زندگی، فقدان احساس همدردی و اختلال روحی و جسمی پدیدار می‌شوند. برای فائق آمدن بر این مشکلات باید با استرس‌های روانی فرسودگی شغلی مقابله کرد (نقدی، ۱۳۸۹).

در تحقیق دیگری که فونتانا^۴ و ابوذری (۱۹۹۲) با عنوان سطح استرس و جنس و عوامل شخصیتی در معلمان، بر روی ۹۴ معلم انجام دادند آشکار شد که ۷۲/۶٪ از سطوح متوسطی از استرس و ۲۳/۲٪ از

-
- 1- Hershey
 - 2- Lugo
 - 3- Sadock
 - 4- Fontana and Abovserev

سطح جدی استرس را تجربه کرده‌اند، همبستگی معنی‌داری بین استرس و روان‌آزردگی حاصل شد، نتایج این مطالعه نشان داد که برون‌گرایی و نوروتیسم بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ی استرس شغلی است و به نظر می‌رسد شخصیت نسبت به عواملی دیگری نظیر سن، جنس، تأثیر بیشتری در استرس شغلی دارد. از تحقیقات دیگری که بر روی فرسودگی شغلی صورت گرفته می‌توان تحقیق آرا و ایریت^۱ (۱۹۹۱) که بر روی مدیران و سرپرستان صورت گرفته است، در این تحقیق فرسودگی شغلی و پیش‌بیننده‌های آنرا میان ۶۲ سرپرست در سازمان بهداشت عمومی را بررسی کردند. آزمودنی‌ها پرسشنامه فرسودگی شغلی مازلاک و خرده مقیاس‌های حمایت اجتماعی و تعارض نقش و ابهام نقش را تکمیل کردند. نتایج این بررسی حاکی از آن است که این سرپرستان سطوح بالاتر از مسخ شخصیت و موفقیت شخصی کاهش یافته را تجربه کردند، اما سطوح عاطفی در حد متوسط بود. علت اولیه برای فرسودگی شغلی سرپرستان، ابهام نقش و سیاست‌های سازمانی ناهماهنگ بوده است. علاوه بر این تعارض نقش - شخص، تراکم کاری ادراک شده و انتظارات متعارض سرپرستان در فرسودگی شغلی آنها مؤثر بوده است. در مطالعه‌ای که توسط لافلین^۲ و اتو^۳ و دیگران (۱۹۸۶) بر روی معلمان ابتدایی و متوسطه انجام دادند نشان داد معلمانی که دسترسی کمتری به حمایت اجتماعی داشتند به نظر می‌رسید که آمادگی بیشتری برای فشار روانی دارند و تحقیقاتی که در آمریکا صورت گرفته نیز نشان می‌دهد که معلمان در محیط کاری حمایت‌کننده سطوح پائین‌تری از استرس شغلی و فرسودگی روانی را گزارش می‌کنند (سارس^۴، ۱۹۹۲).

نشانگان فرسودگی شغلی بر روند اثر بخشی، کارآمدی خدمات معلمان، بهداشت روانی، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان اثر منفی می‌گذارد و دانش‌آموزان را بامشکلات و موانع متعدد روبرو می‌کند از این رو لازم است با تشخیص و درمان به موقع از عواقب سوء آن جلوگیری گردد. با توجه به پیشینه نظری و مطالب فوق هدف کلی انجام این تحقیق بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با فرسودگی شغلی معلمان ابتدایی شهرستان تبریز می‌باشد.

فرضیه‌ها

- ۱- بین ویژگی‌های روان‌نژندی و فرسودگی شغلی معلمان ارتباط وجود دارد.
- ۲- بین ویژگی‌های برون‌گرایی و فرسودگی شغلی معلمان ارتباط وجود دارد.
- ۳- بین ویژگی‌های دلپذیربودن و فرسودگی شغلی معلمان ارتباط وجود دارد.
- ۴- بین ویژگی‌های باوجدان‌بودن و فرسودگی شغلی معلمان ارتباط وجود دارد.

1- Erea and Irit
2- Laflin
3- Eotto
4- Sarc

۵- بین ویژگی‌های انعطاف‌پذیری و فرسودگی شغلی معلمان ارتباط وجود دارد.

سوالات

- وضعیت ویژگی‌های شخصیتی معلمان چگونه است؟
- وضعیت فرسودگی شغلی معلمان چگونه است؟
- کدامیک از ویژگی‌های شخصیت بهترین پیش‌بینی کننده‌ی فرسودگی شغلی معلمان هست؟

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نوع همبستگی که در این روش از روی متغیر پیش‌بین (مستقل) ویژگی‌های شخصیتی، متغیر ملاک (وابسته) فرسودگی شغلی پیش‌بینی می‌شود و نحوه گردآوری اطلاعات از نوع میدانی می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه معلمان دوره ابتدایی شهرستان تبریز می‌باشد که براساس اطلاعات اخذ شده از واحد آمار و انفورماتیک سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی تعداد آنها در سال تحصیلی ۸۹-۸۸، ۴۱۸۲ نفر می‌باشد از بین آنها طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران با خطای ۰/۰۱ و دقت برآورد $d = ۰/۰۵$ و حداکثر واریانس $pq = ۰/۲۵$ بعد از تصحیح به ۳۲۵ نفر مرد و زن که از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبتی (به نحوی که نسبت معلمان در نمونه برابر نسبت معلمان هر ناحیه در کل جامعه باشد) استفاده شد.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش دو پرسشنامه یعنی پرسشنامه فرسودگی شغلی و پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI فرم کوتاه می‌باشد.

ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش دو پرسشنامه و جدول هولمز به شرح زیر است:

الف) پرسشنامه فرسودگی شغلی:

این پرسشنامه که توسط مازلاک و جکسون (۱۹۸۱) تهیه شده است، فرسودگی شغلی و سه جنبه آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این پرسشنامه همان پرسشنامه فرسودگی شغلی خدمات انسانی است که از بیست و دو ماده تشکیل شده است، که جنبه‌های سه‌گانه فرسودگی شغلی (خستگی عاطفی، فقدان موفقیت فردی، مسخ شخصیت) را می‌سنجد.

شیوه پاسخ‌گویی افراد به هر یک از مواد پرسشنامه شامل تعداد دفعاتی است که احساس فرسودگی شغلی در جنبه‌های سه‌گانه تجربه شده است را در برمی‌گیرد. هرگز (صفر)، چندبار در سال (۱)، یکبار در ماه (۲)، چندبار در ماه (۳)؛ یکبار در هفته (۴)، چند بار در هفته (۵) و هر روز (۶). شیوه نمره‌گذاری: پرسشنامه فرسودگی شغلی شامل ۲۲ ماده است و خرده‌تست‌های مختلف از موارد زیر تشکیل یافته است:

خستگی عاطفی: ۱، ۲، ۳، ۶، ۸، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۲۰

مسخ شخصیت: ۵، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۲۲

موفقیت فردی: ۴، ۷، ۹، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱

پرسشنامه فرسودگی شغلی برای معلمان در مطالعات مختلف که بر روی خصوصیات و ویژگی‌های روان‌سنجی صورت گرفته، روشن شده است که از پایایی و اعتبار بالایی برخوردار است. پایایی و روایی: مازلاک و جکسون پایایی درونی را برای هر یک از خرده‌تست‌ها محاسبه کرده‌اند، پایایی درونی برای خستگی عاطفی $\alpha = 0/90$ مسخ شخصیت $\alpha = 0/70$ و فقدان موفقیت فردی $\alpha = 0/71$ گزارش کرده‌اند و ضریب بازآزمایی آن $0/60$ تا $0/80$ گزارش شده است. (شوفلی و همکاران، ۱۹۹۴).

نحوه امتیازبندی ابعاد مختلف فرسودگی شغلی براساس فراوانی تکرار به صورت زیر است: در بعد خستگی عاطفی امتیاز کمتر از ۱۸ برای فراوانی خستگی عاطفی کم، امتیاز ۱۹-۲۶ برای فراوانی خستگی عاطفی زیاد در نظر گرفته می‌شود. در بعد عدم موفقیت فردی امتیاز بیشتر یا مساوی با ۴۰ برای فراوانی کم، امتیاز ۳۹-۳۴ برای فراوانی متوسط و کمتر یا مساوی با ۳۳ برای فراوانی زیاد عدم موفقیت در نظر گرفته می‌شود. روایی و پایایی این پرسشنامه توسط فیلیان در ایران برای اولین بار مورد تأیید قرار گرفت که ضریب پایایی آن را با روش آزمون مجدد $0/75$ گزارش نموده است و از آن پس در تحقیقات متعددی در ایران مورد استفاده قرار گرفته است، تحقیقاتی که در این پژوهش به آنها اشاره شده است. (به نقل از مومنی، سراجی و صالحی، ۱۳۸۸)

ب) پرسشنامه شخصیتی NEO نئو (NEO-FFI):

این پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی را به پنج عامل مورد مطالعه قرار می‌دهد. جهت ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی معلمان در تحقیق حاضر از این پرسشنامه استفاده شده که ویژگی‌های شخصیتی را در پنج عامل:

۱- نوروتیسم (روان نژندگرایی) ۲- برون گرایی ۳- انعطاف‌پذیری ۴- دلپذیر بودن ۵- با وجدان بودن می‌سنجد و شامل ۶۰ سؤال با طیف لیکرت می‌باشد، نمرات گزینه‌ها: کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲) نظری ندارم (۳)، موافقم (۴)، کاملاً موافقم (۵) می‌باشد. هر عامل در فرم کوتاه ۶۰ سؤالی با ۱۲ سؤال سنجیده می‌شود. در این پژوهش از فرم کوتاه استفاده شد، البته این پرسشنامه ابتدا در فرم ۲۴۰ سؤالی بوده است که بعدها فرم کوتاه ۶۰ سؤالی آن توسط مک‌کری^۱ و کوستا^۲ (۱۹۸۵) تهیه گردیده است.

نمره‌گذاری فرم کوتاه: این مقیاس دارای ۶۰ سؤال است. در هر سؤال آزمودنی نمره صفر تا ۴ را احراز می‌کند. هر یک از سؤالات نشان‌دهنده یکی از ۵ عامل بزرگ شخصیت مک‌کری و کوستا به ترتیب عامل N (روان نژندگرایی)، E (برون گرایی)، O (گشودگی)، A (دلپذیر بودن) و C (با وجدان بودن) است. هریک از عوامل ۱۲ سؤال مقیاس را پوشش می‌دهند. در کل آزمودنی در هر مقیاس نمره‌ای از صفر تا ۴۸ کسب می‌کند. (مارنات^۳، ۲۰۰۳)

اعتبار و روایی: در خصوص NEO-FFI - نتایج چندین مطالعه حاکی از آن است که زیر مقیاس‌های این پرسشنامه، همسانی درونی خوبی دارند. به عنوان مثال کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ (برای دلپذیر بودن)، ۰/۸۶ (روان نژندگرایی) را گزارش کرده‌اند.

هلدن^۴ (۱۹۹۹) نیز ضریب آلفای این پنج عامل را در دامنه‌ی ۰/۷۶ (برای گشودگی) تا ۰/۸۷ (برای روان نژندگرایی) گزارش می‌کند. نتایج مطالعه مورادیان^۵ و نزلک^۶ (۱۹۹۵) نیز حاکی از آن است که آلفای کرونباخ روان نژندگرایی، برون گرایی، گشودگی (انعطاف‌پذیری)، دلپذیر بودن و با وجدان بودن به ترتیب عبارتند از ۰/۸۴، ۰/۷۴، ۰/۷۵، ۰/۸۳ (به نقل از آشتیانی، ۱۳۸۸).

این پرسشنامه در ایران نیز توسط گروسی (۱۳۷۷) هنجاریابی شده است. اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش آزمون - آزمون مجدد در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله ۳ ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۹ برای عوامل N، E، O، A و C بدست آمده است. همچنین در تحقیق ملازاده (۱۳۸۱) آلفای کرونباخ برای $N = 0/86$ ، $E = 0/83$ ، $O = 0/74$ ، $A = 0/76$ و $C = 0/87$ و آلفای کل ۰/۸۳ بدست آمده است.

-
- 1- MC Crae
 - 2- Costa
 - 3- Marnat
 - 4- Helden
 - 5- Moradian
 - 6- Nazlak

یافته‌ها

آزمون فرضیه‌ها

با توجه به آزمون‌های همبستگی انجام گرفته ملاحظه می‌شود همه فرضیه‌های پژوهش حاضر با شدت‌های مختلف تأیید شده‌اند.

جدول (۱): آزمون فرضیه‌ها

عنوان	آزمون (P)	سطح معنی داری	مقدار همبستگی اسپیرمن (r _s)	تعداد نمونه (n)
فرضیه (۱) بین ویژگی‌های روان نژندی و فرسودگی شغلی معلمان رابطه وجود دارد.	۰/۰۰۱	۰/۱۸۷	۳۲۵	
فرضیه (۲) بین ویژگی‌های برون‌گرایی و فرسودگی شغلی معلمان رابطه وجود دارد.	۰/۰۰۰	۰/۱۹۷	۳۲۵	
فرضیه (۳) بین ویژگی‌های دل‌پذیر بودن و فرسودگی شغلی معلمان رابطه وجود دارد.	۰/۰۱۱	۰/۱۴۱	۳۲۵	
فرضیه (۴) بین ویژگی‌های با وجدان بودن و فرسودگی شغلی معلمان رابطه وجود دارد.	۰/۰۰۰	۰/۲۱۸	۳۲۵	
فرضیه (۵) بین ویژگی‌های انعطاف‌پذیری و فرسودگی شغلی معلمان رابطه وجود دارد.	۰/۰۰۰	۰/۱۹۵	۳۲۵	

سؤال اول: وضعیت فرسودگی شغلی معلمان چگونه است؟

سؤال دوم: وضعیت ویژگی‌های شخصیتی معلمان چگونه است؟

سؤال سوم: کدامیک از ویژگی‌های شخصیتی بهترین پیش‌بینی کننده فرسودگی شغلی معلمان

است؟

جدول (۲): وضعیت ویژگی‌های شخصیتی معلمان

عنوان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	sk	ku	نتیجه وضعیت معلمان مورد مطالعه
فرسودگی شغلی معلمان	۳۲۵	۲۴/۴۹	۰/۳۸	۶/۸۸	۰/۳۴	۰/۳۴	۰/۴۷	در حد متوسط
روان نژندی	۳۲۵	۳۳/۴۶	۰/۴۰	۷/۴۸	۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۲۳	در حد متوسط
برون‌گرایی	۳۲۵	۲۸/۱۲	۰/۳۸	۶/۸۵	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۶۴	در حد متوسط
انعطاف‌پذیری	۳۲۵	۴۳/۲۸	۰/۳۵	۶/۳۸	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۲۳	متوسط به بالا
دل‌پذیر بودن	۳۲۵	۳۶/۲۵	۰/۲۷	۴/۹۲	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۱۱۵	در حد متوسط
با وجدان بودن	۳۲۵	۴۴/۶۸	۰/۴۶	۸/۴۳	۰/۴۹	۰/۴۹	۰/۸۵	متوسط به بالا

به منظور انتخاب آزمون‌های آماری مناسب جهت تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده لازم است تا نوع توزیع متغیرها به لحاظ طبیعی بودن پراکندگی آنان ارزیابی شود که در این مورد از آزمون کالموگروف اسمیرنوف استفاده شد که در نهایت سطح معنی‌داری آزمون فوق در مورد تمامی متغیرها به جز دلپذیر بودن کوچکتر از ۰/۰۵ بود بنابراین می‌توان قضاوت نمود که تمامی متغیرها به جز متغیر دلپذیر بودن، در آنها پراکندگی نمرات طبیعی نیست و آزمون‌های ناپارامتری در مورد این متغیرها مورد استفاده قرار گرفت.

تبیین فرسودگی شغلی معلمان مورد مطالعه بر اساس متغیرهای پیش بین

در جدول شماره (۳) روش مورد استفاده و متغیرهای مستقل و وابسته بکار گرفته شده در تحلیل رگرسیون نشان داده شده است. مقدار R2 یا ضریب تعیین برابر ۰/۱۹۷ می‌باشد. از آنجا که در روش Enter کلیه متغیرها همزمان وارد معادله می‌شوند، بنابراین R2 بدست آمده نشان می‌دهد که ۱۹ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل روان‌نژندی، برون‌گرایی، دلپذیر بودن، باوجدان بودن، انعطاف‌پذیری تبیین می‌گردند. مطابق آزمون تحلیل واریانس انجام شده نیز معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها با سطح معنی‌داری ($F=13/02, P < 0/001$) در سطح ۹۹ درصد تأیید می‌شود. مطابق نتایج اصلی رگرسیون ستون ۲ به عنوان ضریب به منظور پیش بینی مقدار Y (فرسودگی شغلی) در معادله رگرسیون چند گانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقدار t تک تک ضرایب رگرسیون نیز محاسبه شده و سطح معنی‌داری آنها نیز در جدول آمده است. همان‌طور که مقدار سطح معنی‌داری نشان می‌دهد، اثرات متغیرهای: برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، باوجدان بودن معنی‌دار شده است و اثرات سایر متغیرها یعنی: روان‌نژندی و دلپذیر بودن معنی‌دار نمی‌باشد و آنها تأثیر بسیار ضعیفی در پیشگویی متغیر وابسته یعنی فرسودگی شغلی دارند.

اما در مورد اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در پیشگویی معادله رگرسیون باید از مقادیر بتا استفاده کرد. از آنجا که مقادیر بتا استاندارد شده می‌باشند بنابراین از طریق آن می‌توان در مورد اهمیت نسبی متغیرها قضاوت کرد. بزرگ بودن مقدار بتا نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته می‌باشد. در اینجا می‌توان قضاوت کرد که: با وجدان بودن با مقدار (۰/۳۳۵) بیشترین سهم را در مقایسه با سایر متغیرها در پیشگویی متغیر فرسودگی شغلی معلمان دارد.

جدول شماره (۳): ضرایب متغیرهای مستقل در شکل رگرسیونی به روش همزمان

متغیر مستقل	ضریب	خطای استاندارد	بتا	آماره t	سطح معنی داری	رابطه	سطح اطمینان
مقدار ثابت	۲۶/۴۲	۵/۱۰۴		۵/۱۷۷	۰/۰۰۰	مثبت	%۹۹
روان نژندی	۰/۰۳۸	۰/۰۵۴	۰/۰۴۰	۰/۷۰۵	۰/۴۸۱	مثبت	%۹۵
برون گرایی	-۰/۱۹۸	۰/۰۶۰	-۰/۱۹۸	-۳/۲۹۸	۰/۰۰۱	منفی	%۹۵
دلپذیر بودن	-۰/۰۹۸	۰/۰۷۳	-۰/۰۷۰	-۱/۳۵۰	۰/۱۷۸	منفی	%۹۵
انعطاف پذیری	-۰/۱۹۱	۰/۰۶۲	-۰/۱۷۷	-۳/۰۷۱	۰/۰۰۲	منفی	%۹۵
باوجدان بودن	۰/۲۷۴	۰/۰۴۵	۰/۳۳۵	۶/۰۶۱	۰/۰۰۰	مثبت	%۹۹
R ²	۰/۱۹۷		F-statistic		۱۳/۰۲		
Adj-R ²	۰/۱۸۲		P (F-statistic)		۰/۰۰۰		
S.E of regression	۶/۲۲		متغیر وابسته		فرسودگی شغلی		

بحث و نتیجه گیری

فرضیه (۱): بین ویژگی‌های روان نژندی و فرسودگی شغلی معلمان رابطه وجود دارد.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که هر چه ویژگی‌های روان نژندی (روان رنجور خوبی) در معلمان مورد مطالعه بیشتر شود فرسودگی شغلی نیز افزایش می‌یابد پس رابطه مثبتی بین این دو وجود دارد، عوامل روان نژندی مثل ترس، غم، دست‌پاچگی، عصبانیت، اضطراب، افسردگی، شتاب‌زدگی و پرخاشگری هر چه در یک فرد بیشتر باشند و خصوصیات یک فرد را تشکیل دهند باعث می‌شود مقدار زیادی از انرژی فرد را گرفته و فرد نتواند درست تصمیم بگیرد و درست عمل کند بنابراین از بازدهی فرد کاسته شده و فرد زود خسته شده و میزان کارایی پایین بیاید و به تدریج آثار فرسودگی چه از نظر جسمی و روحی و شغلی در فرد پدیدار شوند.

نتایج بدست آمده از فرضیه اول با نتایج تحقیقات فونتانا و ابوذری (۱۹۹۲) و صباحی و آیت‌اللهی (۱۳۸۵) و احمدی (۱۳۸۶) و آهنگر (۱۳۸۵) و مهاجر (۱۳۸۲) و سری وستاوا (۱۹۹۱) و نوواک و کنث (۱۹۹۱) مطابقت و از آن حمایت می‌کنند.

فرضیه (۲): بین ویژگی‌های برون گرایی و فرسودگی شغلی معلمان رابطه وجود دارد.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های برون‌گرایی معلمان مورد مطالعه (مثل جمع گرایی، جرات، گرمی، فعالیت سر و زبان دار، فعال بودن، اجتماعی بودن) و فرسودگی شغلی رابطه منفی

وجود دارد یعنی معلمانی که برون‌گرا هستند، یعنی با دیگران انس می‌گیرند، برای اشتباهات جزئی خود را سرزنش نمی‌کنند، امید نمی‌شوند، در زندگی فعال‌اند و پرتلاش و با جرأت هستند، تصمیم درستی را در مواقع بحرانی می‌گیرند. از اذیت دانش‌آموزان زود نمی‌رنجد چون به خصوصیات سنی آنها واقفند کمتر به فرسودگی شغلی مبتلا می‌شوند. تحقیقات زیر، نتیجه تحقیق حاضر را مورد تأیید قرار می‌دهند که نتایج بدست آمده از فرضیه دوم با نتایج تحقیقات مهاجر (۱۳۸۲) و فونتانا و ابوذری (۱۹۹۲) و مازلاک و لیتتر (۲۰۰۱) و بیگی فرد (۱۳۷۸) و آررا و ایریت (۱۹۹۱) و دیوروکس، هاتسنیگی، نون، فیریت و توتکا (۲۰۰۹) و لافیلین و اتو و دیگران (۱۹۸۶) و هابنر (۱۹۹۳) مطابقت و از آن حمایت می‌کنند.

فرضیه ۳: بین ویژگی‌های دلب‌پذیر بودن و فرسودگی شغلی معلمان رابطه وجود دارد.

بر اساس نتایج حاصل از تحقیق حاضر بین ویژگی‌های دلب‌پذیر بودن (شامل ویژگی‌هایی مثل مؤدب، با نزاکت، قابل انعطاف، قابل اعتماد، خوش فطرت، همکار، بخشنده، رقیق القلب و متحمل بودن) و فرسودگی شغلی معلمان ابتدایی مورد مطالعه همبستگی معکوس معنی‌داری وجود دارد یعنی هر چه یک معلم در مواقع بحرانی عصبانی نشده، خود نگه‌دار باشد با مشکلات دانش‌آموزان کنار بیاید زود اشتباه دانش‌آموزان را ببخشد، شرایط سنی آنها را درک کند و با اولیاء و همکاران دیگر تعامل صحیح داشته باشد و مشکلات را تحمل کند و فشار عصبی بر خود نیاورد و منعطف باشد به مدت طولانی می‌تواند به شغل معمولی بدون فرسودگی ادامه دهد و از این شغل لذت ببرد، طوری که می‌توان گفت با افزایش ویژگی دلب‌پذیر بودن معلمان مورد مطالعه، فرسودگی شغلی کاهش می‌یابد نتایج تحقیق حاضر از فرضیه سوم با نتایج تحقیق مهاجر (۱۳۸۲) مطابقت و از آن حمایت می‌کند.

فرضیه ۴: بین ویژگی‌های با وجدان بودن و فرسودگی شغلی معلمان رابطه وجود دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر بین ویژگی‌های با وجدان بودن (نظم، وظیفه‌شناسی، خویشتن‌داری تلاش برای موفقیت و پیشرفت، پرکار بودن، دقیق) و فرسودگی شغلی همبستگی مثبت معنی‌داری وجود دارد یعنی هر چه یک فرد دلسوز باشد، کارهایش را بخواهد با دقت و تمام و کمال انجام دهد، وظیفه‌اش را بنحو احسن انجام دهد و سعی کند در کار و حرفه خودش پیشرفت و رو به جلو حرکت کند، ابتکار عمل به خرج دهد، پرکار و پر جنب و جوش باشد در این صورت انرژی بیشتری را این کار می‌طلبد بنابراین در کوتاه مدت باعث فرسودگی جسمی و شغلی شده و از توان فرد می‌کاهد، بنابراین با افزایش ویژگی با وجدان بودن معلمان مورد مطالعه، فرسودگی شغلی نیز افزایش می‌یابد که تحقیقات قبلی فرضیه فوق را مورد تأیید قرار می‌دهند.

نتایج بدست آمده از فرضیه چهارم با نتایج تحقیقات نبرگر (۱۹۷۹) و بیگی فرد (۱۳۷۸) مطابقت و از آن حمایت می‌کند.

فرضیه (۵): بین ویژگی‌های انعطاف‌پذیری و فرسودگی شغلی معلمان رابطه وجود دارد.

براساس اطلاعات به دست آمده از پژوهش حاضر بین ویژگی‌های انعطاف‌پذیری (زیبایپسندی، احساسات، عقاید، ارزش‌ها - تخیلی و خلاق، کنجکاو و مبتکر، روشن فکر، با هوش، پذیرنده) و فرسودگی شغلی همبستگی معکوس (منفی) معنی‌داری وجود دارد.

یعنی می‌توان گفت که معلمان هرچه انعطاف‌پذیر باشند یعنی در برابر ناملایمات زندگی، دانش‌آموزان و محیط مدرسه با حقوق کم، نداری، مشکلات خانواده و جامعه کنار بیایند و شغل معلمی را یک ارزش بدانند و به آن عقیده و ایمان داشته باشند. و آن را بپذیرند در این صورت از فرسودگی شغلی آنان کاسته خواهد شد و به مدت طولانی و با علاقه می‌توانند به شغل خود ادامه دهند. بنابراین می‌توان گفت با افزایش انعطاف‌پذیری معلمان مورد مطالعه، فرسودگی شغلی کاهش می‌یابد که تحقیقات زیر نتیجه فوق را مورد تأیید قرار می‌دهند.

نتایج بدست آمده از فرضیه پنجم با نتایج تحقیقات مازلاک به نقل از عادلانی (۱۳۸۶) و عادلانی (۱۳۸۶) مطابقت و از آن حمایت می‌کند.

به طور کلی نتایج حاصل از این پژوهش و پژوهش‌های دیگر در مورد فرسودگی شغلی نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی معلمان هر چه مثبت یعنی برون‌گرا، انعطاف‌پذیر و دلی‌پذیر باشد و فرد بتواند خودش را با شغل و محیط و شرایط بیشتر وفق دهد از دیگران کمک بخواند و به دیگران کمک کند خیلی دیر فرسوده و از کار افتاده می‌شود ولی خصوصیات منفی (روان‌نژندگرایی) سریع‌تر انسان را فرسوده و از کار می‌اندازند.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی بوده که باعث می‌شود در تعمیم یافته‌ها با احتیاط عمل شود، که عبارتند از: برای به دست آوردن اطلاعات مجبور به استفاده از پرسشنامه بودیم، به علت کمبود وقت در زنگ سیاحت معلمان اجازه پاسخگویی حضوری به سؤالات را نداشتند، بنابراین احتمال اشتباه وجود دارد، عدم همکاری و عدم علاقه معلمان بدلیل اینکه نتایج تحقیقات قبلی به آنان منعکس نشده بود و جامعه آماری به معلمان دوره ابتدایی شهر تبریز محدود بود.

نکات کاربردی که از این تحقیق می‌توان گرفت، با توجه به رابطه ویژگی‌های شخصیتی با فرسودگی شغلی معلمان لازم است مسئولان آموزش و پرورش در گزینش معلمان علاوه بر شرایط عمومی و اختصاصی مندرج در آئین نامه‌ها به ویژگی‌های شخصیتی آنها مخصوصاً در مقطع ابتدایی توجه کنند و چون عامل با وجدان بودن یک عامل خیلی مؤثر در فرسودگی شغلی معلمان است تدابیری اتخاذ شود معلمینی که با وجدان و وظیفه‌شناس اند برای اینکه زود فرسوده نشوند مزایایی مثل حمایت اجتماعی، مالی، تفریحی و مسافرت و غیره در نظر بگیرند و کسانی که دارای خصوصیات افسردگی، روان‌نژدی و پرخاشگری بالا و انعطاف‌پذیری پایین می‌باشند در سایر پست‌های آموزش و پرورش به غیر از شغل معلمی مشغول شوند.

مآخذ

- احمدی، م (۱۳۸۶). بررسی روابط بین فرسودگی شغلی و سلامت روان شناختی در دبیران دبیرستان‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم
- آهنگر، احد (۱۳۸۵). بررسی میزان فرسودگی شغلی و رابطه آن با تیپ‌های شخصیتی مشاوران تهران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبایی.
- بیگی فرد، سلیمه (۱۳۷۸). بررسی ارتباط ویژگی شخصیتی سخت رویو حمایت اجتماعی با فرسودگی شغلی در بین کارکنان مراکز توانبخشی بهزیستی شیراز. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- خوش یمن، س (۱۳۸۴). بررسی رابطه ابعاد شخصیتی مدیران دبیرستان‌های دخترانه تبریز با عملکرد آنها. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- صباحی و آیت‌اللهی (۱۳۸۵). بررسی وضعیت سلامت روانی و رابطه‌ی آن با فرسودگی شغلی در کارکنان بیمارستان‌های شیراز. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- عدلانی، م (۱۳۸۶). بررسی تأثیر فرسودگی شغلی بر بهره‌وری سازمانی در بین کارکنان شرکت سیمان شمال. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۸). آزمون‌های روانشناسی، ارزیابی شخصیت و سلامت روانی، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- کوکلان، ه (۱۳۵۸). رفتار سازمانی و روابط انسانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گرات- مارتات، گری (۱۳۸۴). راهنمای سنجش روانی. ترجمه حسن‌پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو. تهران: نشر سخن (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۳).
- گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۷۷). هنجاریابی آزمون جدید شخصیتی NEO و بررسی تحلیل ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران، رساله دکتری روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ملازاده، جواد (۱۳۸۱). رابطه سازگاری زناشویی با عوامل شخصیت و سبک‌های مقابله‌ای در فرزندان شاهد. رساله دکتری روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- مهاجر، مهدی (۱۳۸۲). بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی، سابقه شغلی و میزان حقوق ماهیانه با فرسودگی شغلی دبیران آموزش و پرورش شهر تبریز. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه تبریز.
- مؤمنی، سراجی و صالحی (۱۳۸۸). مقایسه فرسودگی شغلی پرستاران شاغل در بخش درمان و آموزش دانشگاه علوم پزشکی اراک، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک، سال دو، شماره ۴، صفحه ۱۲۳-۱۱۳.
- نقدی، احمد (۱۳۷۹). بررسی رابطه‌ی بین خلاقیت و خودکار آمدی با فرسودگی شغلی در بین معلمان مقطع متوسطه شهرستان تبریز. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

- Deverux, M., and etall, (2009). Social support and coping asmediators or moderators of the impact of work stressors on burn out in intelle ctual disability support staff, **j, Researchin Developmental Disabiliteis**.Vol(30), PP.367-377.
- Erea, irit, p., (1991). Supervisors can burnout too clinical **Super visor**. No. 2, Vol. 9.
- Fontana and Abovseri., (1992). "Stress Level sand Personality Factors in teachers", **Bri.j.Ed. Psych**, No.2, Vol.3. PP. 262-270.
- Green have, J. H., (1975). Mental health performance **journal of applied psychology** , 59 , 122-126.
- Hubner, E., (1993). "Professionals under stress", **Psyc, In the schools**,Vol(30), PP.40-49.
- Jackson, E, and schwab R., (1987). "Toward an understanding of the burnout", **j, APP. PSYC**. No(4).Vol(71), pp.630-670.
- Maslach, C, andJackson, S., (1981). The measurement of experienced burnout. **j. occ. Beh.**
- Maslach , C., Schaufeli , W. B., and leiter , M. P., (2001). Job burnout. **Annual review of psychology** , 52 , 397-422.
- Nberger, F., (1979). "The staff burnout syndrome in alternative instintions", **Psychoterapy, Theory, Research and practice**, No(1),vol(12), pp. 73-82.
- Nowalck – Kenneth, M., (1991). Psychological predictors ofheath stutus. **Workand stress**, No (2), Vol (5).
- Sadock, B. J., and Sadock M. V. A., (2000). **Comprehensive text book of psychiatry** (1th ed). Philadelphia: lippincott willams and wilkins, (pp.821-822).
- Schaufeli, W.B., Maslach, C., and Marek T., (1994). Professional burnout: **recent developments in theory and research (1st ed)**. Washington: Taylorand francis, (pp. 201-211).
- Srivastova , A. X., (1991). Moderating effect coping on the relationship between stress and performance, **Psychological studies**, 36, (192-197).